

## اقتدارگرایی اردوغان و حزب عدالت و توسعه و پیامدهای آن در ترکیه

ابوالحسن خلیج منفرد\*

### چکیده

حزب عدالت و توسعه با چهره ای دموکراتیک و عملگرا به عنوان یک حزب فراگیر در صحنه سیاسی ترکیه ظاهر شد و با ایجاد تغییرات و تحولات جدی در سیاست داخلی و خارجی این کشور موفق شد تا حد زیادی بر شکافهای اجتماعی، قومی، مذهبی و سیاسی ترکیه که ریشه در تاریخ این کشور دارند فائق آید و آرای حزب را در انتخابات پیاپی سراسری و محلی افزایش دهد. از اواخر دهه ۲۰۱۰ میلادی هنگامی که حزب عدالت و توسعه توانست پایه های اقتدار خود را مستحکم کند و کانونهای قدرت این کشور را در اختیار بگیرد. "دوره اقتدارگرایی" این حزب آغاز شد. گذار از دموکراسی درون حزبی و حذف تدریجی مخالفین اردوغان از رهبری حزب از یک سو و تلاش برای تغییر سبک زندگی مردم و تربیت نسل جوان متدین از سوی دیگر و نیز دور شدن از سیاست خارجی "صفر مشکل با همسایگان" از نشانه های این دوران بود. در این مقاله با روش تحقیق توصیفی و تحلیلی به تبیین تغییر چهره حزب عدالت و توسعه از یک حزب فراگیر به یک حزب اقتدارگرای شخص-محور می پردازیم و به این پرسش پاسخ می دهیم: پیامدهای اقتدارگرایی اردوغان و حزب او در ترکیه و تاثیر آن در احیای مجدد شکافهای اجتماعی این کشور چه بوده است؟

**کلیدواژه‌ها:** حزب عدالت و توسعه، قانون آهنین الیگارشی، اقتدارگرایی، شکافهای اجتماعی در ترکیه، اردوغان

### ۱. مقدمه

جریانهای اصلی فکری و اجتماعی ترکیه یعنی "غرب گرایی"، "اسلام گرایی" و "ملیت گرایی" که در دوران عثمانی شکل گرفته بود در دوره جمهوری استعمار و تکامل

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران Khalaj110@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰

یافت و تعارضات و تقابل‌های ناشی از دوگانه‌های غرب گرایی - اسلام گرایی، ملیت گرایی ترکی در مقابل ملیت گرایی کردی و بالاخره دوگانه سنی گری در مقابل علوی گری، موجب تعمیق شکافهای اجتماعی، قومی و مذهبی در ترکیه گردید. شکافهایی که در دهه های آخر قرن بیستم ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت و بحرانهای شدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را برای این کشور به ارمغان آورد. حزب عدالت و توسعه از درون این شکافها متولد شد و تلاش کرد با ارائه تصویری نو و متفاوت از احزاب موجود در ترکیه از این شکافها عبور کند و بر بحرانهای کشور فاتق آید.

بنیان گزاران حزب عدالت و توسعه که عمدتاً سابقه حضور در احزاب اسلام گرای ترکیه را داشتند با فاصله گرفتن از این احزاب در صدد برآمدند با ارائه چهره ای غیر ایدئولوژیک از حزب تازه تاسیس خود، آن را به شکل یک حزب فراگیر درآوردند تا با جلب نظر جریانات و گرایشهای سیاسی و اجتماعی گوناگون در ترکیه آرای حزب را در انتخابات به حداکثر برسانند. دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه توانست با اتخاذ سیاستهای محافظه کارانه و عملگرا تغییرات جدی و تحولات گسترده در سیاست داخلی و خارجی ترکیه ایجاد کند. در سیاست داخلی این حزب توانست با کم کردن شکافهای اجتماعی موجود طرفداران زیادی را گرد خود جمع کند و آرا حزب را در انتخابات پیاپی سراسری و محلی در ترکیه افزایش داده و باتحکیم قدرت خود آرام آرام مخالفین کمالیست خود را از مرکز قدرت دور کند. در سیاست خارجی نیز زمانی که AKP در سال ۲۰۰۲ به قدرت رسید ضمانت می داد که هدف اصلی سیاست خارجی ترکیه دست یابی به اتحادیه اروپایی است. در ابتدا AKP به قول خود عمل کرد و با انجام اصلاحات قانونی به سوی عضویت اتحادیه اروپایی حرکت کرد و در سال ۲۰۰۵ ترکیه را وارد گفتگوهای نامزدی در اتحادیه اروپایی کرد. وقتی داوود اوغلو در مقام وزیر امور خارجه سیاست «صفر مشکل با همسایگان» را اعلام کرد موجی از اعتدال از آنکارا برخاست که نتایج فوری در پی داشت. نزاع های کهنه حتی با دشمنان سرسختی مانند ارمنستان یا کردهای شمال عراق کنار گذاشته شد. اروپا وانمود می کرد که آماده باز کردن درها به روی ترکیه است. صادرات به خاورمیانه نیز رونق گرفت. اردوغان جسور برای مدتی به عنوان محبوبترین رهبر منطقه درآمد.

اما وضعیت فوق دوام نیاورد. از هنگامی که دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه موفق شد آرام آرام از اواخر دهه ۲۰۱۰ میلادی پایه‌ای اقتدار خود را با دور کردن تدریجی مخالفین داخلی از قدرت و تضعیف پایگاهها و نهادهای حامی قدرت

کمالیست ها در ترکیه (از جمله ارتش و قوه قضائیه) مستحکم کند و کانونهای قدرت این کشور را بطور کامل در اختیار بگیرد. "دوره اقتدارگرایی" این حزب در ترکیه آغاز شد، دوره‌ای که با تغییرات جدی در سیاستهای داخلی و خارجی این حزب همراه شد و با شکوفایی «بیداری اسلامی» در شمال آفریقا و کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ مصادف گردید. حوادثی که تحلیل گران و رسانه های ترکیه به تبعیت از رسانه های غربی از آن به "بهار عربی" یاد می کردند. در حقیقت حزب عدالت و توسعه و رهبری آن حرکت به سمت "اقتدار گرایی" را هم در درون حزب و هم در بیرون آن آغاز کرده بود.

## ۲. قانون آهنین الیگارشی میخلز و حزب عدالت و توسعه: گذر از درون حزبی به اقتدارگرایی شخص مدار

ترکیه هیچ گاه جایی برای دموکراسی درون حزبی نبوده است. احزاب این کشور همیشه از رهبری اقتدارگرایانه رنج برده و «یک سیستم سیاسی را که برحول تعداد معدودی افراد کلیدی می چرخد» خلق می کند. با وجودی که اسلاف AKP، احزاب رفاه و سعادت از این امر مستثنی نبودند، حزب AKP به عنوان نهادی دموکراتیک ظهور کرد. در حوالی سال ۲۰۰۰ شکافی در داخل حزب سعادت رشد کرد و افرادی همچون عبدالله گل و اردوغان این بحث را مطرح کردند که حزب باید خود را به سبک اروپایی باز تعریف کند و مواردی همچون ارتقاء سطح دموکراسی داخلی، فراگیری و تمرکززدایی را مطرح کردند. آنها بر این بودند که رهبری شخص مدار تماس با رأی دهندگان را محدود می کند. اینها نهایتاً حزب سعادت را رها کرده و حزب عدالت و توسعه را بنا نهادند. این حزب به روشنی می خواست به اتحادیه اروپا بپیوندد و عضویت در اتحادیه اروپا مستلزم یک چیز بالاتر از همه چیز بود «اصلاحات دموکراتیک».

آیین نامه اصلی حزب AKP اشعار می دارد: دموکراسی باید روش اصلی اداره امور داخلی حزب باشد (Tepe, 2005: 73) و شواهد دموکراتیک متعددی در عملیات درونی حزب به این شرح وجود داشت: انتخابات اولیه برای تهیه لیست حزب، تصمیم سازی شفاف و مباحث فشرده بر روی شکل سیاستگذاری. اجازه ای از جانب رهبری مرکزی

حزب برای همه احزاب صادر شد تا تصمیمات مستقل خود را در حوزه نفوذ خود بگیرند. اگرچه رجب طیب اردوغان فوراً حاکمیت حزب AKP را در دست گرفت با این حال کنترل و تعادل در امور داخلی از جانب هیات حاکمه حزب انجام می گرفت. به طوریکه رویه های رسمی موجود در حزب شواهدی بر سطح بالای سازمان گرایی در آن بود که نتایج مثبتی را در پی داشت. (Mecham,2004:351) آیین نامه های اصلی حزب محدودیت های دوره ای را در مدیریت داخل حزب فراهم کرده بود. چنین چیزی در ادبیات احزاب سیاسی ترکیه سابقه نداشت. حزب عدالت و توسعه متناظر با مجلس، یک کمیته اجرایی و تصمیم گیری مرکزی را ایجاد کرده بود. این کمیته یک کمیته ۱۲ نفری اجرایی مرکزی را انتخاب کرده بود که امور مهم حزب را هدایت می کرد. هسته مرکزی حزب شامل جداشدگان از حزب سعادت بودند که مهمترین عناصر آن اردوغان، گل، آرینچ و شنر بودند که اختلافات مختصر ایدئولوژیک و تفاوت اندک دیدگاه های سیاسی بین آنها موجب ایجاد تعادل در حزب شده بود. موفقیت حزب AKP نیز در همین تفاوت های مختصر نهفته بود. همچنین برنامه حمایت از دموکراسی و سکولاریسم (نه لائیسزم) آگاهانه بود و کامیابی ترکیه را در الگوی اروپایی اش تأمین می کرد. AKP یک دوره اولیه موفق را داشت که شامل یک سیاست خارجی آگاهانه و مؤثر و نیز برنامه اقتصادی مستحکمی بود که ترکیه را از بحران اقتصادی ۲۰۰۱ نجات داد. (lancastr,2014:1678-1680)

روبرت میخلز (۱۹۹۷-۱۹۱۱)، سازمان حزبی را وسیله ای برای به استبداد انجامیدن احزاب می داند. میخلز بر این باور است که تشکیلات حزبی به حاکمیت گروهی از پیشگامان سیاست می انجامد. زیرا احزاب برای ایفای نقش خود ناچار به تقویت سازمان خویش اند و در این میان برخی افراد تمام وقت و زندگی خود را به فعالیت های حزبی اختصاص می دهند و در نتیجه گروهی کوچک از فن سالاران سیاسی و حرفه ای خود را در بالای هرم قدرت و سلسله مراتب حزبی می یابند و نوعی استبداد فن سالاران بر تشکیلات حزبی سایه می افکند. (ایوبی، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۵) میخلز نشان داد که احزاب در تناقض با دموکراسیها، تمایل دارند در سازمان های حزبی خود بطور اجتناب ناپذیری شکل الیگارشیک به خود بگیرند. او حزب سوسیال دموکرات آلمان را مثال زد و نتیجه گرفت که نه تنها احزاب بلکه همه سازمانها در طول زمان به سوی تمایلات الیگارشی پیش می روند، جدای از اینکه آنها در زمان تأسیس خود تا چه اندازه دموکراتیک بوده اند. او این نظریه را «قانون آهنین الیگارشی» نامید. نمونه ای از احزابی

که در ابتدا متعهد به دموکراسی درون حزبی بوده اما بعداً از تعهد خود سرپیچی کرده ، حزب عدالت و توسعه در ترکیه است که این امر به خوبی در اقدامات این حزب نمایان شد. (lancaster,2014:1673-1674)

سیستم سیاسی ترکیه طوری طراحی شده است که نخست وزیران احزابی که دارای اکثریت پارلمانی هستند از قدرت فراوانی برخوردارند. هنگامی که همه موانع قدرت گیری نخست وزیر اردوغان برداشته شد. شخصیت او تا حدی زیادی در سیاست ترکیه آشکار شد . اردوغان به عنوان محبوب ترین و پر جذبه ترین سیاستمدار در ترکیه معاصر در پی یک نبرد حقوقی کشتار و پیچیده و تحمل محرومیت های اعمال شده از سوی حکومت به قدرت رسید. او سرشار از انرژی بود و بسیاری از هم نسلان خود را در ستیزه جویی ، خود پرستی و قدرت طلبی پشت سر گذاشت . با این همه او به عنوان نخست وزیری به شدت درگیر احساس ناامنی و تشویش، در محاصره مشاورانی ضعیف اما مطیع و خدمتگذار بود. او باتشویق ، تهدید و مانورهای کوشید تادیگران را وادار به تمکین در برابر خواسته های خود کند . (حاکان یاووز، ۱۳۹۱: ۲۰۱). تحلیل "گورنر" و "اوجال" از تحلیل شخصیت اردوغان و ویژگیهای رهبری او حاکی از تصویر فردی در رسانه هاست که تشنه قدرت است و بصورت مهره ای متخاصم و پر قدرت وارد کارزار و مقابله می شود. اردوغان علاقمند به اطرافیانی موافق و همراه است که به حمایت از نظرات او درباره هر مسئله ای بر می خیزند. از آنجا که او معتقد به «نظریه خودی - غیر خودی» در جهان است تحمل کمی نسبت به متفکرین خلاق دارد بنابراین وقتی او موافقان خود را پیدا نکند ترجیح می دهد که خودش به تنهایی تصمیم بگیرد. ترجیحاتی که خودش را در سیاستهای AKP شان داده است. سیاستهایی که به نظر می رسد نتیجه قضاوتهای ناگهانی، خطابه های احساسی و ترجیحات ویژه او است. (Gorener & Ucal, 2011: 357)

در چنین شرایطی، در سالهای بعد بطور مستمر قدرت در حزب به سمت بالا رانده شد که در ابتدا به اعمال قانون آهنین الیگارشی و سپس استبدادی منجر شد که اردوغان در رأس قرار داشت. پس از پیروزی انتخاباتی دوم ، همه چیز شروع به تغییر کرد. شنر قبلاً هیئت چهار نفره را ترک کرده بود و ۲ نفر دیگر نیز آن را رها کرده بودند: گل رئیس جمهور شده بود و قادر به شرکت در اقدامات روزانه حزب نبود. آرینچ هم الیت رهبری حزب را در نتیجه نامزدی ریاست جمهوری اش ترک کرده بود. لذا اردوغان به عنوان تنها رهبر حزب باقی مانده بود. این امر در مدت کوتاهی در تغییر روش رهبری

او نیز پدیدار شد. گرنل می‌نویسد: «اردوغانی که صبورانه اجازه می‌داد حتی مسائل کوچک به بحث گذاشته شود تغییر یافت و به جایش اردوغانی ظاهر شده بود که تحمل انتقاد نداشت و گوش شنوایی به نصایح و مباحث در داخل و خارج حزب نمی‌داد. شاهدان می‌گویند که بیشتر نمایندگان حزب حتی جسارت تقاضای ملاقات اردوغان را از دست داده بودند اجلاس حزبی مبدل به یک صحنه اختصاصی برای اردوغان شده بود و نمایندگان مجلس حق صحبت یا پرسش را نداشتند همین رویه در شورای وزیرای (هیئت دولت) نیز حاکم بود» (Cornell, 2014)

اگر چه ترکیه با پدیده تسلط رهبری غریبه نبود اما تسلطی که اردوغان از آن برخوردار بود به ندرت سابقه داشت به نوشته سامبور: «اردوغان بصورت عامل کلیدی AKP در آمده است. شخصیت کاریزماتیک اردوغان قدرت حقیقی اوست حزب بدون اردوغان مانند بدن بدون روح است. در حقیقت یافتن جانشین برای اردوغان یکی از چالشهای مهم AKP در آینده خواهد بود» (sambur, 2009: 121) کنترل رو به رشد اردوغان بر حزب در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۱ آشکار شد وقتی که تقریباً همه طرفداران اردوغان به میدان آمدند و آرای بیش از سال ۲۰۰۷ (۵۰٪ آراء) را کسب کردند. با اصلاحات آیین نامه ای داخل حزب، لیست کاندیداهای رهبری حزب بر اعضای دیگر حزب تفوق یافتند و این امر بطور افراطی حکایت از پایین آمدن سطح تمرکززدایی و فراگیری در حزب بود. با این کار اردوغان بیشتر طرفداران رئیس جمهور عبدالله گل و نهضت گولن را از لیست حزب خارج کرد. بدین ترتیب اردوغان مخالفت داخلی در حزب را خنثی کرد و کنترل کامل خودش را بر حزب استحکام بخشید. (Muftuler-Bac and Keyman, 2012: 92)

### ۳. اقتدارگرایی حزب و چرخش در سیاست‌های داخلی ترکیه

با استمرار و تحکیم حاکمیت حزب عدالت و توسعه در ترکیه و موفقیت‌های دولت اردوغان در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و نیز تضعیف محافل افراطی نظام لائیک در ترکیه و افزایش کنترل دولت بر ارتش، دادگاه قانون اساسی و دیگر نهاد های نظام لاییک، دولت اردوغان توجه بیشتری به مسائل فرهنگی و دینی از خود بروز داد. اردوغان و حزب او دست به اقداماتی زد که از منظر مخالفینش تلاش برای تغییر در سبک زندگی مردم بود: گامهای تدریجی برای رفع ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌ها و مراکز و سازمان‌های دولتی برداشته شد، نظام آموزش ملی ترکیه اصلاح شد و سیستم

غیر پیوسته ۴+۴+۴ جایگزین قانون آموزش اجباری ۸ ساله شد تا از یک سو دغدغه خانواده های متدین در خصوص حجاب دختران در مدارس مرتفع شود و از سوی دیگر مدارس حرفه ای از جمله مدارس امام خطیب رونق بیشتری یابد و همچنین ایجاد تغییر در ماده ۴۵ قانون آموزش عالی ترکیه حقوق برابر فارغ التحصیلان مدارس امام خطیب برای تحصیل در دانشگاه را تامین کرد. این روند تا آنجا ادامه یافت که رجب طیب اردوغان نخست وزیر و دبیر کل حزب عدالت و توسعه در سخنرانی خود در ماه آوریل ۲۰۱۲ در کنگره شاخه جوانان حزب از تربیت نسل جوان متدین سخن به میان آورد. نسلی که در آن جوانان هم ارزشهای دموکراتیک و سکولار را تجربه می کنند و هم فضایل دینی و اخلاقی را کسب و حفظ می کنند. نسل دین داری که حزب عدالت و توسعه در پی آن بود برای این هدف تربیت می شد که احزاب محافظه کار دارای آرای موافق در انتخابات سیاسی باشند. (دورموش ، ۱۳۹۱ : ۷۷)

بر همین اساس توجه ویژه ای به سازمان امور دیانت ترکیه معطوف شد و مقدمات نقش آفرینی بیشتر این سازمان در داخل و خارج ترکیه فراهم گردید . با فراهم شدن زمینه های سیاسی در کشور و انجام تغییرات و اصلاحات مد نظر در ساختار سازمانی، شرح وظایف و مدیریت سازمان و در سایه حمایت همه جانبه مجلس و دولت حاکم در ترکیه، فعالیتهای سازمان امور دیانت از اواخر سال ۲۰۱۰ روز به روز گسترش یافت. افزایش حدود ۵۰ درصدی پرسنل این سازمان (از ۸۴ هزار نفر به ۱۲۲ هزار نفر) در مدت سه سال ، افتتاح رادیو و تلویزیون ۲۴ ساعته این سازمان و برگزاری کنفرانس های بزرگ ملی و بین المللی شواهدی بر این مدعاست. اکنون این سازمان با بودجه سالیانه حدود دو و نیم میلیارد دلار از بزرگترین و مهمترین سازمانهای دولتی ترکیه است.(<http://www.diyenet.gov.tr/tr/kategori/istatistikler/136>) گفته می شود بودجه، امکانات و نیروی انسانی این سازمان به تنهایی با هشت وزارتخانه ترکیه برابری می کند و جایگاه تشریفاتی این سازمان در دوران حکومت حزب عدالت و توسعه از رتبه پنجاه و دوم به رتبه دهم ارتقاء یافته است و از این نظر نیز از بسیاری از وزارتخانه ها و سازمانهای لشکری و کشوری ترکیه رتبه بالاتری یافت.

یکی دیگر از اقدامات حزب عدالت و توسعه برای توسعه اقتدار خود برکشور تلاش برای تغییر قوانین و ساختار قوه قضائیه بود . «ال سور» تحلیل گر مسائل ترکیه در مقاله ای تحت عنوان " خدا حافظی با استقلال قضایی " ریاست وزیر دادگستری بر "شورای عالی قضات و دادستانها " و عضویت قائم مقام وزیر در این شورا را آخرین

امتیازاتی می‌داند که در قوه قضائیه به دولت داده شده است. بهمین دلیل با وجودی که رسانه‌های طرفدار دولت مدعی هستند که با افزایش اعضای این شورای به ۲۲ نفر و انجام انتخابات برای تعیین اعضای این شورا خللی در استقلال قوه قضائیه پیش نمی‌آید. اما در عمل در انتخاباتی که در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۰ برگزار شد لیست مورد نظر وزارت دادگستری که قبلاً در روزنامه‌ها منتشر شده بود همگی رأی آوردند و به عضویت شورای عالی قضات و دادستانها در آمدند که بدین ترتیب باید با استقلال قضایی در ترکیه خداحافظی کرد. معاون قائم مقام وزیر، مدیرکل پرسنلی وزارت و نیز رئیس آکادمی دادگستری ترکیه به عنوان کارگزاران دولت در میان انتخاب شدگان بودند. در این انتخابات ۱۰ نفر از لیست دولت انتخاب شدند و چون وزیر و قائم او نیز در شورا عضو هستند بنابراین در عمل از ۲۲ نفر ۱۲ نفر از جانب دولت در این شورای حضور دارند. (ulsever,2010:10)

اردوغان تلاش کرد همراه با تقویت و کنترل سازمان دیانت به عنوان دستگاه ایدئولوژی حزب حاکم، دستگاه اطلاعات و امنیت کشوری یعنی سازمان اطلاعات ترکیه «میت» را نیز در دست بگیرد. ابزاری که او را در کشور و همینطور در حزب یکه تاز میدان کرد. اگرچه بطور سنتی در ترکیه «میت» و اسلافش بخشی از دولت سایه بوده که به عنوان موتور محرکه مشروعیت بخشی به کودتاها عمل می‌کرد. اما AKP و اردوغان کوشش مضاعفی را داشته‌اند تا میت را در خدمت بگیرند و علیه «دولت موازی» که گفته می‌شد از طرفداران فتح الله گولن تشکیل شده است به کار بگیرد. اولین همکاری اردوغان و حاکمان فیدان رئیس «میت» که از طرفداران وفادار نخست وزیر به شمار می‌رفت در سال ۲۰۰۸ میلادی در موضوع «ارگنه کن» شکل گرفت. گام بعدی AKP، اصلاح قانون پرسنلی «میت» برای اعطای مصونیت قانونی به مأمورین اطلاعاتی و نیز ارائه اصلاحیه قانونی برای ممانعت از اقدام علیه رئیس «میت» بدون تأیید نخست وزیر بود. این اصلاحیه در سال ۲۰۱۲ میلادی زمانی اتفاق افتاد که دادستان عمومی ترکیه، رئیس میت را در رابطه با گفتگوهای صلح با شورشیان کرد و رهبر آنان زیر سؤال برد و او را برای پاسخ به سوالات دادستانی احضار کرد. این اقدام یک کارت قرمز آشکار به AKP بود که موجب شد سوءظن حزب به «دولت موازی» تقویت شود (گفته می‌شد خود گولن به P.K.K که به عنوان یک سازمان تروریستی کردی مشهور است. اعتمادی نداشت و مخالف اقدام AKP برای مذاکره با سازمان P.K.K برای پایان دادن به درگیری جاری در جنوب شرقی ترکیه بود. (park,2014)

در حالیکه با رسوایی مالی ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳ وضع AKP وخیم تر شد و اقدامات سخت تر علیه «میت» اعمال گردید، قانون جدید سازمان اطلاعات ترکیه موسوم به «میت» در فوریه ۲۰۱۴ (از جانب AKP) پیشنهاد شد و از ماه آوریل همان سال به مقام اجرا درآمد. این قانون حدود اختیارات «میت» را به شدت گسترش داد و اجازه عملیات آن را بدون نظارت جدی قضایی فراهم کرد. مثلاً «میت» می تواند به همه آرشیوها و پایگاههای اطلاعاتی هر وزارتخانه ای دست یابد، درباره شهروندان اطلاعات جمع آوری کند (از جمله شهروندان خارج از کشور) و از شرکتهای خصوصی بخواهد اطلاعات مربوط به مشتریان را در اختیار بگذارد. همینطور اجازه استراق سمع به «میت» داده شد. براساس گزارش «نگهبان حقوق بشر» ترکیه اینک میت می تواند بدون نیاز به حکم دادگاه اطلاعات مربوط به روابط خارجی، دفاع ملی، تروریسم، جنایات بین المللی و امنیت سایبر را که از طریق کانالهای ارتباطی منتقل می شود جمع آوری کند (Human Rights Watch, April 29, 2014, "Turkey").

اما مهمترین عرصه توسعه نفوذ حزب عدالت و توسعه در سپهر عمومی جامعه، رسانه های گروهی ترکیه است. حزب عدالت و توسعه با بکارگیری ابزار گوناگون کنترل خود را بر اغلب رسانه های گروهی و شبکه های خبری کشور گسترش داده است. ارول اوندر اوغلو از اعضای گزارشگران بدون مرز می گوید: «من هیچ دوره ای را به یاد ندارم که مانند این دوره صدها گزارشگر طی ۵ سال گذشته تحت تعقیب یا بازداشت قرار گرفته باشند. و این رقم هر روز افزایش می یابد». مطابق گفته یک کارشناس رسانه ای در استانبول اکنون از بین ۴۰ کانال خبری اصلی ترکیه تنها ۳ کانال خبری باقی مانده اند که از حزب عدالت و توسعه انتقاد می کنند. براساس گزارش «گزارشگران بدون مرز» ترکیه در زمینه رعایت آزادی خبری در بین ۱۸۰ کشور در ردیف ۱۴۹ قرار گرفته است. (<http://www.economist.com/news/special-report/21689877-mr-erdogans-commitment-democracy-seems-be-fading-getting-train>)

#### ۴. تغییرات قانون اساسی به منظور استقرار نظام ریاستی مورد نظر اردوغان

تدوین قانون اساسی جدید در ترکیه در سالهای گذشته به عنوان یکی از مهمترین مسائل سیاسی در این کشور مطرح بوده و درحقیقت بخش عمده ای از تحولات سیاسی این کشور به ویژه انتخابات بهار ۲۰۱۵ و شکست حزب عدالت و توسعه در

کسب اکثریت لازم در مجلس برای تشکیل دولت تا حد زیادی متأثر از مباحث مربوط به این موضوع مهم بوده است. اگرچه همه ی احزاب حاضر در ساختار سیاسی ترکیه اتفاق نظر دارند که قانون اساسی موجود در این کشور محصول کودتای نظامیان در سال ۱۹۸۰ است و این قانون با وجود تغییرات و تحولات فراوانی که در دو دهه ی گذشته به خود دیده، با مقتضیات و شرایط امروز در جامعه ی ترکیه سازگاری ندارد و باید قانون اساسی جدیدی برای ترکیه از نو تدوین شود اما اصرار حزب حاکم بر ترکیه و به ویژه شخص اردوغان بر تغییر نظام سیاسی این کشور از «نظام پارلمانی» به «نظام ریاستی» در قانون اساسی جدید با مخالفت های زیادی مواجه شده و بسیاری از تحلیلگران سیاسی معتقدند که مهمترین دلیل شکست حزب حاکم بر ترکیه در انتخابات هفتم ژوئن سال ۲۰۱۵ تأکید فراوان اردوغان بر این پیش شرط در قانون اساسی جدید بود.

در حقیقت استقرار "نظام ریاستی" در ترکیه مطالبه جریان اسلام گرایی در ترکیه بوده است که از سالها پیش توسط رهبران اسلام گرای ترکیه تعقیب می شده است. مرحوم نجم الدین اربکان که بنیان گذار اصلی حرکت سیاسی اسلامی در دوران معاصر در ترکیه به شمار می رود در همان سالهای اولیه فعالیت سیاسی و حزبی خود بر دو موضوع فراندوم عمومی و انتخاب مستقیم رئیس جمهور ترکیه توسط مردم تأکید می کرد. وی در مقاله ای تحت عنوان "چرایی رای مردم" که در سال ۱۹۷۳ میلادی در روزنامه اسلام گرای "ملی گازه" منتشر کرده است لزوم گذار به سیستم ریاستی در ترکیه را مطرح می کند. او خواهان نظامی شبیه به سیستم حقوقی آمریکا و فرانسه می شود و اعتقاد دارد که نظام سیاسی ریاستی موجب ارتقای ظرفیت مادی و معنوی ملت گردیده و همه عوامل ضد دموکراتیک را در حکومت از بین خواهد برد.

(Erbakan, Neden Halk Oylamasi, 1973)

## ۵. سیاست خارجی ترکیه در تعقیب سیاست داخلی

هنگامی که یک مرد جوان خود را در اعتراض به سیاست های دولت در تونس به آتش زد. شعله های آن آتش به خاورمیانه رسید و خیابانهای کشورهای عربی بطور ناگهانی صحنه خشونت و اعتراض علیه حاکمان مستبد شد و سیاست خارجی ترکیه نیز دچار تحول شد. داووداغلو در حالیکه مدعی بود سیاست صفر شکل با همسایگانش تغییر نکرده بلکه این سیاست به معنای صفر مشکل با مردم کشورهای همسایه بوده است،

رویکرد خاورمیانه محور و تسلط منطقه‌ای در سیاست خارجی ترکیه را نمایان ساخت . چرخش در سیاست خارجی ترکیه درست با سیاستهای اقتدارگرایانه حزب عدالت و توسعه و شخص اردغان همزمان شده بود . در حالیکه ترکیه در ابتدای سال ۲۰۱۱ هم پیمان سرهنگ معمر قذافی بود و می‌گفت: ناتو در لیبی چکار دارد؟ در میانه سال با افتخار به عملیات مشترک ناتو به رهبری آمریکا و مشارکت فرانسه و انگلیس پیوست و برای جلب نظر کسانی که تا دیروز «شورشی» بودند و اینک «روابط برادرانه» با پاریس و لندن برقرار کرده بودند ترکیه نیز ۳۰۰ میلیون دلار پول نقد برای اعلام وفاداری به آنها به بنغازی فرستاد. روابط با سوریه نیز چرخش کاملی یافت، وزیر خارجه احمد داوود اوغلو پس از یک ملاقات شش ساعته با بشاراسد به این نتیجه رسید که رهبر علوی یک کشور سنی نشین در گفته‌های خود صادق نیست و اینجا بود که «برادر اسد» دیروز مبدل به «دیکتاتور اسد» شد و آنکارا که مخالف تحریم علیه همسایگانش بود، در تحریم علیه دمشق پیشقدم شد. (Kanli, hurriyetdailynews.4/01/2012)

با اوج گیری خیزش به اصطلاح بهار عربی در سال ۲۰۱۱، دولت ترکیه از منظر خود با حوادث برخورد کرد؛ از نظر آنها خلق‌های اصلی این منطقه یعنی مسلمانان سنی مذهب در نهایت درصدد براندازی اشراف نظامی طرفدار غرب برآمده اند. بر همین اساس حزب عدالت و توسعه به گرمی از اسلام‌گرایان نوظهور استقبال کرد و به طور ناگهانی از دولتمردان مستبدی که قبلاً مشتریان کالاهای ترکیه بودند رو گرداند. در عراق ، ترکیه در پشت احزاب سنی مذهب که در مقابل دولت شیعی اکثریت ایستاده بودند قرار گرفت و از تلاش داعش برای به استثمار کشیدن نارضایتی های اهل سنت برای تشکیل خلافت غافل شد. در قضیه مصر نیز ترک‌های به اصطلاح مطلع یعنی مردان اردوغان در حزب ، اخوان المسلمین را تشویق کردند که تاکتیک‌های حزب عدالت و توسعه را به کار بندند و دادگاه عالی را توسط طرفداران وفادار خود تسخیر کنند. جایی که اینک نظامیان در قدرت هستند و مواضع به شدت خصمانه با ترکیه دارند. در سوریه که اردوغان تا مدتی پیش تعطیلات خود را در سواحل ترکیه با خانواده بشار اسد می‌گذارند. ناگهان تغییر موضع داد و حمایت کامل خود را از مخالفین اسد به نمایش گذاشت. دستگاه اطلاعاتی اردوغان نیز مانند بسیاری از سازمانهای اطلاعاتی غربی به این نتیجه رسیده بودند که اکثریت ۷۰ درصدی اهل سنت به زودی بر اسد فائق خواهند آمد. (<http://www.economist.com/news/special-report/21689872-consequences-not-talking-neighbours-alone-world>)

## ۶. تبعات و پیامدهای اقتدارگرایی اردوغان و حزب عدالت و توسعه

اقتدارگرایی حزب عدالت و توسعه و چرخش درسیاست داخلی و خارجی دولت حاکم بر ترکیه اختلافات سیاسی در این کشور را گسترش داد. در اینجا مهمترین حوادث و پیامدهای ناشی از این اختلافات در جامعه ترکیه یعنی حوادث و ناآرامی های گسترده در بهار سال ۲۰۱۳ موسوم به حوادث پارک گزی، درگیری وجدال حزب حاکم با جریان فتح الله گولن، به بن بست رسیدن گشایش های دموکراتیک حزب عدالت و توسعه و اوج گیری دوباره مشکلات دولت با کردها و علویهای ترکیه و تعمیق دوباره شکافهای قومی و مذهبی در ترکیه را به تفصیل مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم.

### ۶-۱. حوادث «پارک گزی» در ترکیه

در اوایل سال ۲۰۱۳، رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه و دولت او پس از ۱۱ سال قدرت مستمر خود را کاملاً در موضع موفقیت و اقتدار یافته و پیشرفتهای اقتصادی و ارتقاء جایگاه ترکیه را مرهون استمرار حاکمیت حزب عدالت و توسعه (AKP) معرفی می کرد. این دولت هر روز اقدامات بیشتری را در جهت تثبیت وضعیت موجود در پیش گرفته و پروژه های بزرگی برای جلب توجه مردم و نمایش شکوه و قدرت شخص نخست وزیر و دولت او مطرح کرد که برخی از آنها عبارت بودند از:

۱. طرح تأسیس اولین نیروگاه اتمی ترکیه در استان مرسین با بودجه ۲۲ میلیارد دلار که با مشارکت دولت روسیه ساخته می شود و قرار است برق آن تا سال ۲۰۱۹ وارد مدار شود.

۲. قرارداد ساخت دومین نیروگاه اتمی ترکیه با مشارکت ژاپن و فرانسه در نزدیکی دریای سیاه با بودجه ۲۲ میلیارد دلار که در سفر دو ماه پیش نخست وزیر ژاپن به ترکیه به امضاء رسید و قرار است برق آن تا سال ۲۰۲۳ وارد مدار شود.

۳. ساخت بزرگترین مسجد ترکیه با گنجایش ۳۰ هزار نفر در استانبول که ۶ مناره آن بزرگترین مناره ها در سطح جهان خواهند بود.

۴. ساخت سومین پل بر روی تنگه بسفر با بودجه ای معادل سه و نیم میلیارد دلار که رئیس جمهور ترکیه در مراسم کلنگ زندی این پروژه نام این پل را «پل یاوز سلطان سلیم» نهاد.

۵. انعقاد قرارداد ساخت بزرگترین فرودگاه جهان در استانبول با ظرفیت ۱۵۰ میلیون مسافر در سال.

۶. ایجاد ارتباط ریلی بین اروپا و آسیا از طریق ایجاد یک تونل راه آهن زیر زمینی در دو بخش آسیایی و اروپایی استانبول در کرانه تنگه بسفر

۷. و بالاخره طرح توسعه میدان تقسیم و پارک گزی در استانبول

رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه قصد داشت با تغییر قانون اساسی و افزایش قدرت ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۵ به این پست تکیه زده و همه پروژه های بزرگ فوق الذکر را تا سال ۲۰۲۳ که یکصدمین سال تأسیس جمهوریت در ترکیه است، افتتاح کند و نام خود را در تاریخ ترکیه ماندگار سازد. در چنین فضایی «بریدن سه اصله درخت» در اجرای طرح توسعه میدان تقسیم همچون جرقه ای شد که حوادث گسترده ای را در ترکیه شعله ور کرد. شهر استانبول که از آن به عنوان حیات خلوت حزب عدالت و توسعه نام برده می شود کانون اصلی اعتراضات در ترکیه شده بود. رجب طیب اردوغان نیز ابتدا با شهرداری استانبول به شهرت رسید و پله های ترقی را در عرصه سیاست یک به یک طی کرد. در روز ۳۰ می ۲۰۱۳ در همین شهر، تحصن اعتراض آمیز گروهی از مردم برای حفظ ۶۰۰ اصله درخت در پارک «گزی» با هجوم پلیس مواجه شد و این اقدام سبب تظاهرات گسترده و زنجیره ای در شهرهای مهم ترکیه بر ضد سیاستهای دولت اردوغان شد. به دلیل عدم تدبیر صحیح دولت اردوغان در روزهای نخست و با گسترش اعتراضات، معترضان که عمدتاً جوانان وابسته به احزاب مخالف دولت حاکم بودند، خواستار استعفای رجب طیب اردوغان و برگزاری انتخابات زودرس گردیدند. عذرخواهی رسمی معاون نخست وزیر در خصوص حمله روز اول پلیس به معترضان در پارک «گزی» نیز نتوانست به اعتراضات پایان دهد و دامنه اعتراضات به دیگر شهرهای مهم از جمله آنکارا و ازمیر کشیده شد و نقاط مختلف ترکیه بیش از یکصد تجمع اعتراضی و اعتصاب عمومی برگزار گردید. به گزارش رسانه های ترکیه در گریه های سه هفته اول حداقل چهار کشته و نزدیک به هفت هزار و پانصد نفر نیز مجروح به جای گذاشت و تعداد زیادی نیز دستگیر و بازجویی شدند. حوادث ترکیه واکنش های بین المللی را نیز در پی داشت. کشورهای غربی و اتحادیه اروپا انتقادهایی را علیه سیاست های اردوغان مطرح کردند و به سرکوب معترضان توسط دولت ترکیه ایراد گرفتند. اردوغان در پاسخ هم پیمانان غربی خود را به «معیارهای دو گانه» متهم کرد و گفت: اگر همین اعتراض ها در هر کشور

اروپایی رخ می داد برخورد خشن تری با آنها می شد. اتحادیه اروپا به این دیدگاه اردوغان ایراد گرفت و سفر هیأتی از اتحادیه اروپا به ریاست آلمان را به ترکیه که از قبل برنامه ریزی شده بود لغو کرد. (خلج منفرد، ۱۳۹۲: تحلیلی بر حوادث اخیر ترکیه) مجله اکونومیسیت در مقاله‌ای تحت عنوان «مشکلات ترکیه؛ دموکرات یا سلطان» در توصیف وقایع موسوم به «گزی پارک» در استانبول نوشت: «میدان تقسیم در استانبول بزرگترین شهر اروپا و پایتخت تجارت ترکیه مانند «میدان تحریر» مصر شده است. اعتراضات نشانگر نارضایتی روزافزون از رجب طیب اردوغان است. اعتراضاتی که در سراسر کشور گسترش یافته و تاکنون ۳ کشته، ۴۰۰۰ زخمی و ۹۰۰ نفر دستگیر به جای گذاشته است. درس واقعی از این حوادث تبعات اقتدارگرایی در ترکیه است. از مدتها پیش نگرانیهایی درباره اردوغان وجود داشت. او که زمانی گفته بود دموکراسی به مثابه قطاری است که وقتی به مقصدی رسیدی از آن پیاده می شوی؟ اگر چه اردوغان نیز سعی کرده برخورد با اعتراضات اخیر ترکیه را مشابه آنچه که در جنبش وال استریت نیویورک روی داد قلمداد کند اما سفارت آمریکا در ترکیه در پاسخ اعلام کرد در پی اقدامات پلیس در آمریکا کسی کشته نشد.»

<http://www.economist.com/news/leaders/21579004-recep-tayyip-erdogan-should-heed-turkeys-street-protesters-not-dismiss-them-democrat-or-sultan>

## ۶-۲. تقابل و جدال با حرکت فتح الله گولن

حرکت فتح الله گولن در دوره اول حکومت حزب عدالت و توسعه همراهی فراوانی با این حزب داشت به طوری که رسانه های گروهی وابسته به این حرکت از جمله روزنامه زمان که پرتیراژترین روزنامه ترکیه بود از اردوغان و حزب او جانبداری کامل می کرد. دولت اردوغان نیز متقابلاً در این سالها از فعالیتهای گسترده جریان گولن در زمینه های مختلف اقتصادی، آموزشی و رسانه ای و رشد روزافزون آن پشتیبانی می کرد که نمونه بارز آن شرکت دولتمردان ترکیه از جمله شخص اردوغان در تجمعات این گروه به ویژه در مراسم المپیاد زبان ترکی بود که همه ساله با حضور هزاران نفر از دانشجویان مدارس گولن از سراسر جهان در شهرهای مختلف ترکیه برگزار می شد. این مراسم که به میدان تبلیغات گسترده برای گولن و جریان او تبدیل شده بود از پوشش کامل خبری از طرف رسانه های دولتی برخوردار می شد. همکاری و همراهی جریان فتح الله گولن با دولت اردوغان چنان عمیق شده بود که گفته می شود عوامل این جریان که

در ارتش، قوه قضائیه و پلیس این کشور نفوذ فوق العاده ای داشتند نقش برجسته ای در افشای کودتاها و توطئه هایی که علیه دولت اردوغان در آن سالها شکل گرفت داشتند. با تحکیم پایه های قدرت حزب عدالت و توسعه و آغاز مرحله اقتدار گرایی این حزب و بروز تمایلات شخص -مدارانه اردوغان در کنترل برحزب و دولت حاکم بر ترکیه، رقابتها و اختلافات بین دو جریان مهم اسلام گرا در این کشور هر روز نمایان تر می شد. شایعات مربوط به نفوذ گسترده جریان گولن در همه ارکان دولت هر روز قویتر می شد و سخن از بازگشت رهبر این حرکت به کشور به مثابه بازگشت رهبر انقلاب اسلامی به ایران پس از سالها تبعید بر سر زبانها افتاده بود. حتی در برخی محافل گفته می شد که فتح الله گولن خواهان ایفای نقش رهبر دینی و ولایت فقیه در ترکیه است. وقتی که در دسامبر ۲۰۱۳ یک گروه ۴۷ نفره از تجار، مقامات رسمی دولت و فرزندان برخی از وزرای دولت AKP به اتهام فساد مالی توسط پلیس اقتصادی دستگیر شدند و مکالمه های تلفنی شرم آوری در این رابطه در اینترنت فاش شد که برخی منتسب به شخص اردوغان بود (که البته صحت آنها تکذیب شد) و رابطه گسترده خویشاوندی و اعطای قراردادهای سودآور ساخت و ساز به طرفداران حزب آشکار گردید دهها تن از مقامات مجبور به استعفا شدند. به نظر می رسد نمی توانست شرایط بیش از این خراب تر شود چرا که اردوغان در مرکز اتهامات فساد مالی از جمله داشتن میلیونها دلار در منزل و بانکهای خارجی قرار گرفته بود. در مقابل اردوغان هیچگاه درصدد مقابله با این اتهامات برنیامد بلکه او دشمن دیگر مورد توجه اش یعنی فتح اله گولن و نهضت خدمت را هدف قرار داد. گروهی که بنا به اعلام اردوغان مانند لابی نرخ بهره بانکی درصدد نابودی ترکیه بودند. این بار ایالات متحده آمریکا صریحا به عنوان حامی و همدست معرفی شد و اردوغان تهدید کرد که سفیر آمریکا در ترکیه فرانسویس ریکاردون را به کشورش باز می گرداند. حتی وقتی صدای ضبط شده تلفن نخست وزیر افشاء شد او مدعی شد که این نوارها مونتاز شده و پول کشف شده هم زکات می باشد. (Lancaster, 2014 : 1684)

این افشاگریها موجب شد موضع سرسخت حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان به نقطه اوج خود برسد به ویژه اینکه در پشت این افشاگریها و دستگیریها جریان فتح الله گولن موسوم به «خدمت» قرار داشت. اگرچه این جریان در سالهای اول تأسیس حزب عدالت و توسعه، هم پیمان قدرتمند حزب به شمار می رفت و رسانه های متعلق به آن به تشویق و ترغیب مسائل اسلامی می پرداختند و دانشگاههای وابسته به فتح الله

گولن انبوهی از نیروهای یقه سفید حزب AKP را تأمین می کردند و پیروان فراوان این جریان که در همه جای دولت از جمله پلیس و قوه قضائیه رخنه کرده بودند با پیروزی حزب AKP در انتخابات سال ۲۰۰۲ نقش کلیدی در از بین بردن «دولت عمیق» (دولت در سایه) دوره کمالیست‌ها و محاکمه افسران ارتش داشتند با این وجود وقتی اردوغان در اواخر سال ۲۰۱۳ تصمیم گرفت صدها مدرسه (مرکز آموزش کنکور) وابسته به گولن را تعطیل کند آنها نیز متقابلاً مصمم شدند فساد مالی حزب عدالت و توسعه را آشکار کنند. اما پاسخ حزب عدالت و توسعه نیز خشم آلود بود و هواخواهان و حامیان آن را مورد هجوم قرار داد بطوری که از ژانویه ۲۰۱۴ حدود ۶۰۰۰ پلیس به جرم ارتباط با حرکت گولن جابجا شده یا از کار برکنار شده اند و موج دستگیری خبرنگاران، وکلاء و دانشگاهیان اوج گرفت. در دسامبر ۲۰۱۴، فتح الله گولن رسماً به عنوان سردمدار یک گروه تروریستی که در صدد ایجاد یک «دولت موازی» است، معرفی گردید و راه برای دستگیری و محاکمه وابستگان به او از جمله سردبیران روزنامه‌ها به جرم فعالیت تروریستی باز شد.

(<http://www.economist.com/news/specialreport/21689877-mr-erdogans-commitment-democracy-seems-be-fading-getting-train/comments?page=1>)

## ۷. تأثیر اقتدارگرایی حزب عدالت بر تعمیق شکاف‌های قومی و مذهبی

حزب عدالت و توسعه و دولت اردوغان در دوران حاکمیت فراگیر خود بر ترکیه تلاش گسترده‌ای را برای جلب نظر کردها و افزایش آراء خود در مناطق کردنشین داشت و موفقیت‌های قابل توجهی را در این مناطق کسب کرد. به رسمیت شناختن بخشی از حقوق و مطالبات کردها به ویژه در زمینه‌های فرهنگی و زبانی و اعلام سیاست گشایش کردی در قالب راه حل دموکراتیک از جمله اقدامات حزب به شمار می رفت. با این وجود در اواخر پاییز سال ۲۰۱۱ میلادی یکی از سران ارشد حزب کارگران کردستان پ.ک.ک در بیانیه‌ای با زیر سوال بردن طرح صلح حزب عدالت و توسعه اعلام کرد که به دلیل رویکرد ریاکارانه حزب حاکم، طرح به اصطلاح «گشایش کردی» دولت ره به جایی نخواهد برد. در اعلامیه مراد کارابیلان آمده بود: «آنها (حزب حاکم) هیچ تصمیمی (برای صلح) ندارند بلکه می‌خواهند با خشونت بطور کامل ما را تسلیم کنند. از یک سو دولت حاکم گفتگوها با ما را ادامه می‌دهند (اشاره به گفتگوهای سازمان اطلاعات ترکیه با گروه‌های کرد در سال ۲۰۱۱) در حالی که از طرف دیگر در

حال گفتگو با طرفهای ثالثی چون ایران، عراق و برخی دیگر از قدرتهای منطقه‌ای و جهانی هستند تا یک طرح جامع را برای یک قتل عام به سبک سریلانکا ترتیب دهند. مثلاً من از کسانی که می‌گویند حزب عدالت و توسعه در صدد حل مشکل است می‌پرسم: طرح صلح این حزب چیست؟ کسی هست که بگوید این طرح صلح چیست؟ و کجاست؟ خیر چنین چیزی وجود ندارد چرا که هدف آنها این است که قدرت ما را تحلیل دهند و ما را وادار به عقب نشینی کنند و ما را مجبور به تسلیم مطابق شرایط خودشان نمایند.» (kanli, huttiyetdailynews, 9/27/2011).

با این وجود گفت و گوها بین دو طرف در سالهای بعد با فراز و نشیب ادامه یافت به طوری که حزب کارگران کردستان (P.K.K) در اول فروردین سال ۱۳۹۲ (۲۱ مارس ۲۰۱۳) با اشاره اوجالان رهبر زندانی خود در جزیره امرالی، آتش بس یک طرفه اعلام کرد و گفته شد که جنگجویان این گروه آماده هستند در قالب شرایط صلح، سلاح بر زمین گذاشته و خاک ترکیه را ترک کنند. اما پیش بینی مراد کاراییلان در مورد عدم جدیت اردوغان و حزب عدالت و توسعه برای پذیرش شرایط صلح با کردها هنگامی نمایان شد که نمایندگان دولت حاکم بر ترکیه در آخرین دور گفت و گوهای خود در ماه فوریه ۲۰۱۵ میلادی در کاخ دولمه باغچه استانبول با نمایندگانی از حزب دموکراتیک خلقها (HDP) که از جانب حزب کارگران کردستان در امرالی و قنبدیل در این مذاکرات حضور داشتند به توافقی امیدوارکننده و جنجالی که به توافق ۱۰ ماده ای دولمه باغچه در ۲۸ فوریه ۲۰۱۵ موسوم شد، دست یافتند. اما وقتی اردوغان از جانب احزاب مخالف به ویژه گروههای ملی گرای ترکیه در داخل و خارج حزب تحت فشار قرار گرفت و متهم به سازش با کردها شد به سرعت از موضع خود عقب نشست و در تاریخ ۲۴ ماه آوریل همان سال در آستانه انتخابات سراسری ترکیه با اظهار بی اطلاعی از توافق دولمه باغچه اعلام کرد: کدام توافق؟ این توافق دولمه باغچه از کجا آمده؟ این حکومت با یک گروه تروریستی توافقی نداشته و ندارد.

(<http://www.sabah.com.tr/gundem/2016/04/24/cumurbaskani-erdogan-ne-dolmabahce-mutabakati>)

منتقدین می‌گویند که اردوغان که از طرف ارتش و ملی گرایان افراطی احساس مقاومت می‌کرد و از طرفی انتخابات سراسری ماه ژوئن ۲۰۱۵ را در پیش رو داشت تصمیم گرفت این موضوع را به عقب اندازد. آنچه که در کشور همسایه اتفاق افتاد و در نهایت منجر شد که کردهای سوریه کوبانی را از دست داعش پس بگیرند نیز در این امر

دخیل بود. در حالی که شاخه سوریه‌ای P.K.K. بلوک مستقلی را برای خود دست و پا می‌کرد مقامات رسمی ترکیه از قدرت گرفتن آنها هراسناک شدند. ترس اردوغان و دولتش از آن بود که P.K.K. در یک هم‌پیمانی تاکتیکی با غرب در سوریه برای خود مشروعیت بین‌المللی کسب کند. اینجا بود که گفتگوهای صلح بین کردها و دولت به پایان رسید و از ماه ژوئن ۲۰۱۵ نیروهای هوایی ترکیه مجدداً بمباران مواضع P.K.K. را در شمال عراق آغاز کرد. پلیس شبه‌نظامی در شهرکهای کردی به پا خاسته، مقررات رفت و آمد (حکومت نظامی) اعلام کرده و صدها نفر به اتهام حمایت از P.K.K. را دستگیر کرد. شورشیان کرد نیز به بمب‌گذاری در کنار جاده‌ها و گشودن آتش دست زدند. در حالی که اردوغان ظاهراً متقاعد شده بود که می‌تواند با زور به پیروزی برسد مسأله کردی دوباره به سمت نومی‌دی دیگری پیش می‌رفت.

<http://www.economist.com/news/special-report/21689879-what-does-it-mean-proud-be-turk>

یکی دیگر از تبعات اقتدارگرایی حزب عدالت و توسعه، عمیق شکاف مذهبی و فاصله گرفتن شدید علویهای ترکیه از این حزب و دولت حاکم بر این کشور بود. اقدامات گسترده برای تغییر "سبک زندگی" مردم در داخل، که با تقویت همه‌جانبه "سازمان امور دیانت" ترکیه همراه شد اعتراضات گسترده طبقه سکولار این کشور که غالب علویها نیز در این طبقه جای می‌گیرند را در پی داشت. اوج این اعتراضات، شورش های خیابانی موسوم به «پاک‌گری» بود که در شهرهای مختلف این کشور به وقوع پیوست و چندین کشته از جمله از جامعه علوی این کشور به جای گذاشت. همچنین تغییر در سیاست خارجی ترکیه و کنار گذاشتن اصل «صفر مشکل با همسایگان» در سیاست خارجی و حمایت از "اسلام سیاسی اخوانی" در کشورهای مختلف از سوی حزب عدالت و توسعه که مهمترین تجلی این سیاست ورود تمام عیار دولت اردوغان در بحران داخلی سوریه و تاکید علنی بر سرنگونی "دولت اقلیت علوی بشار اسد" در تبلیغات دولتی و سخنرانی‌های اردوغان و دیگر مقامات این کشور، نارضایتی و اعتراضات شدید علویها را در پی داشت. در این دوره نه تنها خواسته‌ها و تقاضاهای علویها مجدداً مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته بلکه اردوغان با بازگشت به سیاست قدیمی اهل سنت ترکیه با بیان این جمله معروف که «اگر علویگری دوست داشتن علی(ع) هست من هم یک علوی کامل هستم» به انکار موضوع علویگری در این کشور پرداخت. علویها واکنش‌های جدی به مواضع اردوغان و اقدامات دولت این کشور نشان

دادند. "علی یرال" رئیس "بنیاد فرهنگی و همبستگی اهل بیت (ع)" در شهر حتای ترکیه با طرح سئوالهای متعدد به اظهارات اردوغان واکنش نشان داد و خطاب به نخست وزیر ترکیه نوشت: ما از شما انتظار نداریم که یک علوی کامل باشید، حتی اگر بخواهید هم نمی توانید. تنها انتظار ما از شما این است که یک سیاستمدار به دور از تبعیض، کین، دشمنی و نفرت باشید (Yeral, Ali, available on

<https://www.youtube.com/watch?v=vQ1B0zc6B-w>)

نگرانی و نارضایتی شدید جامعه علویهای ترکیه از شرایط موجود در این کشور در گزارشی که اخیراً توسط "مرکز بین المللی تحقیقات صلح در خاورمیانه" منتشر شده به خوبی منعکس است. در این تحقیق «کآن دیلک» پژوهشگر موسسه یاد شده در یک تحقیق میدانی سؤالاتی را با رهبران دینی علویها «ددهها»، بازرگانان، دانشجویان و انجمنهای غیردولتی جامعه علوی در شهرهای مختلف ترکیه مانند آنکارا، چوروم، آماسیا، توکات، ارزینجان، سیواس، نوشهیر، تونجلی، حتای، آدانا و مرسین مطرح کرده و نتایج زیر را به دست داده است:

۱. بیشتر گروههای علوی شرکت کننده در این پژوهش مدعی شده اند که سیاستها و گفتمانهای حزب عدالت و توسعه به ویژه در این دوره اخیر موجب افزایش شکافهای هویتی در بین گروههای مذهبی و قومی شده است.
۲. همه جوامع علوی اعم از ترکها، کردها، زازاها و عربهای علوی معتقدند که حزب عدالت و توسعه یک رویکرد فرقه گرایانه دارد و سیاستها و گفتمانهای حزب هویت علویها را هدف گرفته است.
۳. جامعه علوی ترکیه اظهار می دارد زمینه های یک درگیری فرقه ای علیه گروههای مختلف علوی اعم از جعفریها و شیعیان دامن زده می شود و این درگیری فرقه ای آنان را مورد هدف قرار داده است. دولت AKP نیز این اعمال تنفرآمیز را با همراهی شرکای منطقه ای خود تشویق می کند گروههای علوی مطلقاً معتقدند که حزب عدالت و توسعه گروههای سلفی و جهادی را مورد حمایت قرار می دهد.
۴. بطور کلی علویهای ترکیه می گویند که سیاستها و گفتمان حزب عدالت و توسعه در پی به انزوا کشیدن جامعه علوی از دیگر گروههای اجتماعی در

- ترکیه است آنها همچنین اضافه می‌کنند که حزب عدالت و توسعه AKP با دامن زدن به این شعار که «علویهای کرد، PKK و علویهای عرب از رژیم اسد حمایت می‌کنند» درصدد است تا گروههای علوی را در معرض تهدید گروههای اجتماعی مذهبی و محافظه‌کار در ترکیه قرار دهد.
۵. گروههای علوی مدعی هستند که گفتمان «ترکیه جدید» توسط حزب عدالت و توسعه از نظر علویهای ترکیه مشروعیتی ندارد بلکه علویها این وضعیت را بازگشت به دوران قبل از جمهوریت با رویکردهای چون حاکمیت مذهب و تسلط فردی (اردوغان) می‌دانند.
۶. بطور کلی علویها بزرگترین مانع بر سر فرآیند دموکراتیک در ترکیه را رویکرد امنیتی حکومت نسبت به هویت‌های مختلف قومی و نژادی و حقوق شخصی و سبک‌های زندگی آنان می‌دانند. هنوز علویها به عنوان «تهدید امنیتی» به شمار می‌آیند و حکومت نیز با دخالت خود در موضوع هویت‌سازی علویها این رویکردها را تقویت می‌کند. (Dilek, 2015:9-13)

## ۸. ناکامی در انتخابات پس از ۱۳ سال

نتیجه نهایی اقتدارگرایی حزب عدالت و توسعه و پیامدها و مشکلات و چالش‌های حاصل از آن در سیاست داخلی و خارجی ترکیه در بیست و پنجمین انتخابات سراسری ترکیه در ۱۷ خرداد ۱۳۹۴ (۷ ژوئن ۲۰۱۵) نمایان شد. در این انتخابات حزب عدالت و توسعه نه تنها به دو سوم آرای مورد نیاز برای تصویب طرح تغییر نظام سیاسی ترکیه در پارلمان ترکیه و یا ۶۰ درصد آرای مورد نیاز برای پیشنهاد رفراندوم برای این کار دست نیافت، بلکه اکثریت پارلمان را نیز از دست داد و توانایی این حزب برای تشکیل دولت در هاله‌ای از ابهام فرو رفت.

بر اساس نتایج این انتخابات، حزب عدالت و توسعه (حزب حاکم) با کسب ۸۶/۴۰ درصد (۲۵۸ نماینده)، حزب جمهوری خلق با ۹۶/۲۴ درصد (۱۳۲ نماینده)، حزب حرکت ملی گرابا اختصاص ۲۹/۱۶ درصد (۸۰ نماینده) و حزب دموکراتیک خلقها با به دست آوردن ۱۲/۱۳ درصد (۸۰ نماینده) به مجلس راه یافتند این نخستین بار از نوامبر سال ۲۰۰۲ م. بدین سو بود که حزب حاکم عدالت و توسعه در ترکیه اکثریت مطلق خود بر پارلمان را از دست داد و برای تشکیل حکومت نیازمند ائتلاف با دیگر احزاب یا نمایندگان مستقل گردید. اگر چه در طول تبلیغات انتخابات، اردوغان بر

خلاف مشی و رویه روسای جمهور ترکیه که غالباً وجهه ای ملی و غیر حزبی دارند تقریباً روزانه اظهار نظر کرد و مردم را به رای بالا به حزب حاکم تشویق کرد. (هر چند رییس جمهور ترکیه مستقیماً از حزب عدالت و توسعه نام نمی برد اما اردوغان با ضرورت تغییر ساختار نظام سیاسی ترکیه از شیوه پارلمانی به ریاستی بارها تاکید کرد و افزود در صورت رای بالای مردم به یک حزب آن حزب قادر خواهد بود این مهم را به انجام رساند. منظور او از یک حزب "حزب حاکم" بود). با این وجود رای روز هفتم ژوئن ۲۰۱۵ مردم ترکیه نه تنها در راستای تحقق این خواسته اردوغان نبود بلکه حتی حزب عدالت و توسعه را از تشکیل یک حکومت غیر ائتلافی نیز محروم کرد و جایگاه این حزب را خدشه دار ساخت.

## ۹. خاتمه

با ناکامی حزب عدالت و توسعه در انتخابات بهار ۲۰۱۵ که پس از ۱۳ سال حاکمیت حزب در ترکیه برای اولین بار اتفاق می افتاد اردوغان و حزیش سیاست پیچیده‌ای را برای جبران شکست خود در پیش گرفتند. از یک سو داوود اوغلو نخست وزیر وقت و رئیس حزب، با تعدیل در سیاستهای حزب تلاش فراوانی را برای تشکیل دولت ائتلافی با دیگر احزاب آغاز کرد. از سوی دیگر اردوغان که به دنبال تجدید انتخابات بود بطور موقت موضوع ریاستی را کنار گذاشت و با بهره‌گیری از نا آرامیها و خشونت‌های ایجاد شده پس از انتخابات و درگیریهای شدید در مناطق کردی به تحریک احساسات ناسیونالیستی مردم پرداخت. در این میان طغرل تورکش فرزند بنیانگذار حزب ناسیونالیستی حرکت ملی که از رهبران این حزب بود با اعلام شرایط حساس کشور از سمت خود استعفا داد و به حزب عدالت و توسعه پیوست. ترش و وحشت در فاصله دو انتخابات در بین مردم گسترش یافت و مردم با نگرانی از وضعیت وخیم سیاسی و اقتصادی در کشور به انتخابات پاییز ۲۰۱۵ وارد شدند. در این انتخابات بار دیگر حزب عدالت و توسعه پیروز میدان بود و این حزب با کسب ۴۹/۵ درصد آرا موفق به اخذ کرسیهای لازم برای تشکیل دولت گردید. این در حالی بود که آرای حزب حرکت ملی حدود ۴/۵ درصد کاهش یافته و به سبب حزب عدالت و توسعه ریخته شده بود. این پیروزی از جانب برخی تحلیلگران پیروزی ترس نامیده شد و مردم از ترس و نگرانی از وضعیت موجود و به دلیل خاطرات ناخوشایندی که از دولتهای ائتلافی داشتند به حزب عدالت و توسعه رای دادند.

با پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه باردیگر سیاستهای اقتدارگرایانه اردوغان در درون حزب و سیاستهای داخلی و خارجی دولت تعقیب شد. درگیریهای شدید با کردها و مقابله با جریان فتح الله گولن با شدت بیشتری ادامه یافت و موضوع بحث انگیز نظام ریاستی با جدیت بیشتر دوباره در دستور کار حزب قرار گرفت. وقتی اخبار مربوط به مخالفت داوودادغلو و بعضی از نزدیکانش در حزب با برخی سیاستهای اردوغان در محافل سیاسی آشکار گردید تصفیه حزب از این افراد برزبانها افتاد تا اینکه نهایتاً با استعفای داوود اوغلو از مقام نخست وزیری و ریاست حزب در اوایل ماه می ۲۰۱۶، بن علی ییلدرم از یاران نزدیک، باوفا و قدیمی اردوغان به ریاست حزب و نخست وزیری انتخاب شد.

دوماه از انتخاب نخست وزیر جدید نگذشته بود که ترکیه در روز ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ با یک کودتای باور ناکردنی و نافرجامی مواجه شد. این واقعه آنقدر غیرمنتظره بود که بسیاری آن را ساخته و پرداخته دولت حاکم دانستند تا به این بهانه مخالفانش را از صحنه سیاسی کشور حذف کند. اما به باور من این کودتا نتیجه سیاستهای داخلی و خارجی حزب حاکم و رهبران اردوغان بود. کوشش همه جانبه برای تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در دست اردوغان و یارانش از یک سو و فشارهای فراوان بر مخالفین داخلی و تلاش برای دور کردن آنها از کانونهای قدرت از سوی دیگر موجب شد مخالفینی که از کنار زدن حزب حاکم از طریق انتخابات ناامید شده بودند دست به کودتای نظامی بزنند. البته وقتی اردوغان توانست با حمایت طرفدارانش در مقابل کودتا بایستد فرصت را غنیمت شمرد و تصفیه گسترده‌ای را در همه ارکان دولت از ارتش گرفته تا قوه قضائیه، آموزش و پرورش، دانشگاهها، رسانه‌های گروهی و... درپیش گرفت و دهها هزار نفر را از خدمات دولتی منفصل و هزاران نفر را راهی زندان کرد. او همچنین با تغییر در ساختارهای موجود کنترل خود را بر ارتش و نیروی پلیس کامل کرد و شخصاً انتخاب روسای دانشگاهها را برعهده گرفت. حزب حاکم با برداشتن مصونیت سیاسی از نمایندگان کرد مجلس زمینه را برای دستگیری دورئیس مشترک حزب کردی دموکرات خلقها فراهم کرد و بسیاری از شهرداران شهرهای کردنشین را به اتهام کمک به کسانی که تروریستهای طرفدار حزب کارگران کردستان (پ.پ.ک) مینامید از مقام خود خلع و راهی زندان کرد. این سیاستهای ناسیونالیستی موجب رضایت و نزدیک شدن بیشتر حزب ناسیونالیستی حرکت ملی به حزب حاکم گردید و نهایتاً این دو حزب بر سر تدوین قانون اساسی جدیدی به توافق رسیده‌اند که در آن نظام ریاستی

جای نظام پارلمانی ترکیه را خواهد گرفت.

### ۱۰. نتیجه‌گیری

از هنگامی که دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه موفق شد آرام آرام از اواخر دهه ۲۰۱۰ میلادی پایه‌ای اقتدار خود را با دور کردن تدریجی مخالفین داخلی از قدرت و تضعیف پایگاهها و نهادهای حامی قدرت کمالیست‌ها در ترکیه (از جمله ارتش و قوه قضائیه) مستحکم کند و کانونهای قدرت این کشور را بطور کامل در اختیار بگیرد. "دوره اقتدارگرایی" این حزب در ترکیه آغاز شد، دوره‌ای که با تغییرات جدی در سیاستهای داخلی و خارجی این حزب مصادف گردید. این روند با شروع خیزش بیداری اسلامی که در ترکیه نیز موسوم به "بهار عربی" در کشورهای خاور میانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۱ شدت گرفت. در حقیقت حزب عدالت و توسعه و رهبری آن حرکت به سمت "اقتدارگرایی" را هم در درون حزب و هم در بیرون آن آغاز کرده بود. در این مقاله در صدد بر آمدیم با استفاده از "قانون آهنین الیگارش" میخلز به تبیین تغییر چهره حزب عدالت و توسعه از یک حزب فراگیر به یک حزب اقتدارگرای شخص-محور پردازیم و با ارائه شواهد و نمونه‌های تغییر سیاستها و عملکرد این حزب، تبعات و نتایج آن را در جامعه ترکیه مورد کنکاش قرار دهیم. اقتدارگرایی حزب عدالت و توسعه و چرخش درسیاست داخلی و خارجی دولت حاکم بر ترکیه بامخالفت‌های شدید مواجه شد و بار دیگر به شکافها و اختلافات سیاسی، قومی و مذهبی در این کشور را دامن زد. در این مقاله به تحلیل مهمترین حوادث و تبعات ناشی از این اختلافات و شکافها در جامعه ترکیه یعنی حوادث و ناآرامی‌های گسترده در ترکیه در بهار سال ۲۰۱۳ موسوم به حوادث پارک گزی، درگیری وجدال حزب حاکم با جریان فتح‌الله گولن، به بن بست رسیدن گشایش‌های دموکراتیک حزب عدالت و توسعه و اوج‌گیری دوباره مشکلات دولت با کردها و علویهای ترکیه و تعمیق دوباره شکافهای قومی و مذهبی در این کشور پرداخته ایم.

### منابع

اوزبودون، ارگون (۱۳۹۱) ترکیه در جستجوی قانون اساسی جدید، مجموعه مقالات فرهنگی، آنکارا:

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

ایوبی، حجت‌الله (۱۳۹۰) پیدایی و پایایی احزاب سیاسی درغرب، تهران: سروش

حکیم پور، علی (۱۳۹۱) مناظره اردوغان با کمال قلیچ داراوغلو در زمینه تربیت نسل دینی، مجموعه مقالات فرهنگی، آنکارا: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران  
خلج منفرد، ابوالحسن (۱۳۹۲) تحلیلی بر حوادث اخیر ترکیه، مجموعه مقالات فرهنگی، آنکارا: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران  
دورموش، محمد (۱۳۹۱) نسل جوان متدین ترکیه، مجموعه مقالات فرهنگی، آنکارا: رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران  
نظام آموزشی جدید ترکیه: مسائل و مشکلات، ۱۳۹۱، مجموعه مقالات فرهنگی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در ترکیه، دوره جدید، شماره ۴، ص ۹۴-۸۹

- Cornell, Svante E. "Erdogan's Looming Downfall: Turkey at the Crossroads." Middle East Quarterly XXI2 no.2 (2014) on. <http://www.meforum.org/3767/erdogan-downfall>.
- Dilek Kaan, Preception And Expectayions of Alevies Community: Ethnic, Religious and Language Rights, Peace Process, The Syrian Crisis And Democratization Report-2016.pages9-13
- Erbakan, Necmettin-Akmumcu, Husamettin-Abbas, Huseyin. Neden Halk Oylamasi, Milli Gazete, 6, 7, 8/04/1973
- Gorener, Aylin S., and Meltem S. Ucal. "The Personality and Leadership Style of Recep Tayyip Erdogan: Implications for Turkish Foreign Policy." Turkish Studies 12, no. 3 (2011): 357  
<http://www.diyaret.gov.tr/tr/kategori/istatistikler/136>  
<http://www.economist.com/news/leaders/21579004-recep-tayyip-erdogan-should-lead-turkeys-street-protesters-not-dismiss-them-democrat-or-sultan>  
<http://www.economist.com/news/special-report/21689872-consequences-not-talking-neighbours-alone-world>  
<http://www.economist.com/news/specialreport/21689877-mr-erdogans-commitment-democracy-seems-be-fading-getting-train/comments?page=1>  
<http://www.economist.com/news/special-report/21689879-what-does-it-mean-proud-be-turk>  
<http://www.hurriyetdailynews.com/the-rise-of-the-imam-hatip-religious-high-schools-.aspx?pageID=449&nID=22747&NewsCatID=428>  
<http://www.sabah.com.tr/gundem/2016/04/24/cumurbaskani-erdogan-ne-dolmabahce-mutabakati>  
<https://www.akparti.org.tr/site/haberler/basbakan-erdoganin-genclik-kollari-kongresi-konusmasinin-tam-metni/26970#1>
- Idiz, Semih, Available on: <http://www.hurriyetdailynews.com/government-fails-press-freedom-test.aspx?pageID=438&n=government-fails-press-freedom-test-2010-10-18>
- Kanli, Yusuf, "constitutional debate" Hurriyet daily news, October, 6, 2010, Page 10  
Kanli, Yusuf, on: <http://www.hurriyetdailynews.com/from-no-problems-to-no-friends-ii-.aspx?pageID=449&nID=10646&NewsCatID=425>

- Kanli,yusuf.Available on  
<http://www.hurriyetdailynews.com/default.aspx?pageid=438&n=what-is-the-akp8217s-settlement-project-2011-09-27>
- Lancaster, Caroline. (2014) The iron law of Erdogan: the decay from intra-party democracy to personalistic rule, *Third World Quarterly*, 35:9, 1672-1690
- Mecham, Quinn R. "From the Ashes of Virtue, a Promise of Light: The Transformation of Political Islam in Turkey." *Third World Quarterly* 25, no. 2 (2004):351.
- Migdalovitz, Carol.on:  
<http://www.hurriyetdailynews.com/default.aspx?pageid=438&n=akp8217s-domestically-driven-foreign-policy-2011-04-17>
- Muftuler-Bac, Meltem, and E. Fuat Keyman. "The Era of Dominant-party Politics." *Journal of Democracy* 23, no. 1 (2012): 85–86.
- Park, Bill. "Turkey's Struggle: Erdogan vs. Gulen." *openDemocracy*. 2014.  
<http://www.opendemocracy.net/billpark/turkeys-struggle-erdoğ-vs-gülen>.
- Sambur, Bilal. "The Great Transformation of Political Islam in Turkey: The Case of Justice and Development Party and Erdogan." *European Journal of Economic and Political Studies* 2, no. 2 (2009): 121
- Tepe, Sultan. "Turkey's AKP: A Model 'Muslim-Democratic' Party?" *Journal of Democracy* 16, no. 3
- Turkey." *Human Rights Watch*, April 29, 2014. <http://www.hrw.org/news/2014/04/29/turkey-spyagency-law-opens-door-abuse>. (2005): 73
- Ulsever,Cuneyt.Available on : <http://www.hurriyetdailynews.com/whats-going-on-in-turkey-i.aspx?pageID=438&n=what8217s-going-on-in-turkey-i--2010-05-10>